

مصاحبه "ع و غ"

به رستوران* برفته شاغلی "ع"
برای خدمتش حاضر شده "غ"
کند عرضی، چه خواهش دارد آقا؟
بگیرد مینورا از دست "غ"، "ع"

اگر لطف کرده آرید کله پاچه
کباب شامی، از گوشت موسیچه
زمشروبات عالی، هرچه بهتر
نماید کاملم سرگنگس و گیچه

برد یاد وطن، هم یاد مردم
و هم آن وعده های داده بودم
مرا مقصد بُدی چو کی و قدرت
گرفتم آنچه را، لایق نبودم

بگفتش "غ" که ای بیعقل، برادر!!
نظر بر من نما چهل ساله چاکر
نمودم دائما خدمت به اغیار
بگشتم مُلک بی سر را، مَنیجر

اگر ذیحق بودی، در دوره پیش؟
نبگذشتی ز جاه و از حق خویش
مگر "کرزی" چومن شاگرد شیطان
فریبت داد و نگذاشتت، روی پیش

ببین مغزی که حتی گوسفندان
برایش رأی دادند شاد و خندان
زکوه ها و چراگاه های کشور
همه باهم، به آشکارا و پنهان

خدایا !تا به کی این حال و احوال
بود در مُلک ما، بیچاره پا مال
ببیند "حیدری" روزی که مُلکش
بگشته فارغ از این، جمع دَجّال**

پوهنوال داکتر اسد الله حیدری
۲۰۱۵، ۰۳، ۰۴، سدنی، آسترالیا

*- درسایت "خاوران" مطلبی تحت عنوان "چالش های فراروی دولت وحدت ملی افغانستان" جلب نظر م را کرد. یک فوتوی آقایان "ع و غ" که مشابه به رستوران رفتن آقای "ع" و خم شدن آقای "غ" با پتکی مبارک سر شانه‌شان برای اخذ فرمایش آقای "ع" را دیدم که الهام بخش سرودهء فوق گردید.
**- دَجّال به معنی کذاب، بسیار دروغگو و فریب دهنده.